

وکالت در دوران باستان

گیل مارد، ح.م. «عطا»
پژوهشگر تاریخ ایران باستان، شاعر و وکیل دادگستری

قانون نانوشته‌ی خشم خدایان نسبت به ستمگران توسل جوید. در این برهه از زمان قانون نانوشته از عنصر بطن مادر قانون یعنی کیش و آیین و مذهب‌های اولیه در جوامع کل بشری زاده شد و موجب شد که قانون نبشته^۱ و مدون در جامعه‌ی کل بشری پای به عرصه‌ی وجود گذاشت.

در طی پنج هزار سال که از تاریخ نگارش نخستین قانون مدون در جامعه‌ی کل بشری وسیله‌ی شاهان قوم سومری، مهاجران از کرانه‌ی دریای کاسان (دریای گیلان) هم‌چون اورنامو، لی پیت ایشتار، اور کاکینا، شولگی، بیلالاما و حمورابی شاه بابل در هزاره‌ی سوم پ.م. به جامعه‌ی کل بشری در دنیای باستان پیشکش شد، قانون لی پیت ایشتار با یکصد ماده^۲ قانون مدون که متاسفانه فقط سی و هفت ماده از قانون مدون او از تخریب مصون مانده و هم‌چنین ۲۲ ماده‌ی قانون اورنامو که فقط پنج ماده از قانون مدون این پادشاه سومری تاکنون خوانده شده. این قانون‌های مدون از دیرباز به‌عنوان نخستین قوانین مدون قوم بشر در کنار ۲۸۲ ماده‌ی قانون مدون حمورابی از هزاره‌ی سوم پ.م. برای نسل بشر به‌یادگار مانده است.

جالب توجه این است که تنها در قانون کهن و باستانی چهار هزار و پانصد ساله‌ی اورنامو این قانون در مقام تعیین کیفر به‌جای عملکرد به‌قانون کهن و فراگیر قصاص قانون مترقیانه جزای نقدی را برای بزهکاری مبنای تعیین کیفر قرار گرفته است. در قوانین مدون سومریان و هم‌چنین قانون مدون ۲۸۲ ماده‌ی حمورابی پادشاه بابل مربوط به پایانه‌ی هزاره‌ی سوم پ.م. و ۹۰ ماده‌ی قانون مدون آشوریان مصوب در میانه‌ی هزاره‌ی دوم پ.م. و دیگر قوانین باستانی تاثیر عنصر قصاص و نقش مذهب در بنیانگذاری قوانین عهد باستان کاملاً آشکار است.

هم‌چنان که حتی در قوانین مترقی ملل متمدن در سده‌ی بیست و یکم میلادی نیز تا حدودی تاثیر نقش عنصر مذهب به‌چشم می‌خورد، پس از تولد قانون از اندیشه و خرد انسان‌هایی از دیدگاه نیروی جسمانی ناتوان ولی از دیدگاه اندیشه و خرد توانا برای دفاع از حقوق خود در رویارویی با زورمندان و پس از گذر اجتماع دوران باستان از سده‌ها و اعصار، احساس توسل به فن دفاع از حقوق

□ ای مام دهیام اورمزدا بانووهچاهای نای اهچادوشی یارا هچا دروگا.

این کشور را اهورامزدا بپاید از خشک سالی و یار بد و دروغ. «داریوش بزرگ سنگ‌نبشته‌ی پارسه‌شهر».

در گستره‌ی دنیای وکالت و دفاع از حق که پیشه‌ی روحانی بوده و در جامعه‌ی کل بشری از باستانی‌ترین ادوار هنر و فن وکالت به موازات امر مقدس قضاوت درخور توجه و احترام بوده و هست، به‌یاد ندارم درباره‌ی تاریخچه‌ی فن و هنر وکالت در دوران باستان به‌صورت مستقل کتاب یا رساله‌ی منتشر شده باشد.

در این هنگام که قانون محترم وکیلان مرکز در فرازهای چهارم و هشتم از فراخوان خویش تاریخچه‌ی هنر و فن وکالت را برای سخنرانی در جشن استقلال قانون وکیلان مرکز مورد توجه قرار داده و وجودی که این فراخوان مقید به آثار چاپ شده در مطبوعات است با عنایت به این‌که این رساله بخش بسیار کوچکی از کتاب چاپ نشده‌ی من زیر عنوان **سیر و تطور حقوق در ایران باستان از باستانی‌ترین ادوار تا ظهور اسلام** است دریغ آمد که در مورد بخشی از عنوان مورد نظر قانون وکلای مرکز از طریق این رساله به اقتضای سخن سعدی، شاعر و فیلسوف بی‌همتای خاورزمین، که فرمود:

دو چیز طیره‌ی عقل است دم فروبستن به‌وقت گفتن و گفتن به‌وقت خاموشی.

به کوتاه سخن: «زبان بریده به کنجی نشسته صم و بکم» خاموشی گزیده و در این راستا یادداشت‌های ناشی از پژوهشگری خود را در مورد تاریخچه‌ی امر وکالت در دوران باستان بویژه در این جشن فرخنده ناگفته بگذارم و بگذرم.

آن‌گاه که در آغاز پاگرفتن جامعه‌ی کل بشری قانون برتر در سال‌های نخستین جامعه‌ی کل بشری به‌عنوان قانون جنگل حکمروا بود و ستمگری‌های انسان‌ها از دیدگاه نیروی جسمانی زورمند بر هم‌نوعان ناتوان موجب آمد تا ناتوان از نظرگاه جسمانی و در عین حال توانا از دیدگاه اندیشه و خرد در رویارویی با توانمند ستم پیشه در کرسی دفاع از خود به یاری و یآوری خرد و اندیشه‌ی خویش برای بازداشتن ستمگران زورمندان از تعدی و تجاوز به

مظلوم نیز در اجتماع سراپا تبعیض طبقاتی و برده‌داری در جامعه‌ی کل بشری دنیای باستان نیز مورد توجه مظلومان قرار گرفت و این احساس زمانی به اوج خود رسید که برخورد استبداد و خودمحموری و فراقانونی رژیم‌های شاهی بویژه در دوران باستان در رویارویی با انحصارطلبی روحانیون و دیگر طبقات ممتاز در جوامع دنیای باستان مورد توجه بشر قرار گرفت و در حقیقت برخورد دو قدرت استبداد رژیم شاهی با امر سنتی انحصارطلبی روحانیون و دیگر توانمندان در دنیای باستان و ستیز این دو قدرت موجب شد که شاهان قانون‌گذار سومری و بابلی قوانینی جهت محدودکردن امتیازات آنان وضع و انشا نمایند و از سوی دیگر در دنیای باستان، دانش هنر و فن خواندن و نوشتن در انحصار و اختیار قشر روحانیون قرار داشت و در نتیجه از طریق مداخله‌ی ناروای انحصارطلبان برای عامه‌ی مردم امکان فراگیری هنر خواندن و نوشتن وجود نداشت، زیرا روحانیون آگاه از هنر خواندن و نوشتن منحصرأ به فرزندان و خویشاوندان خویش این هنر را می‌آموختند.

به همین دلیل بود که به‌عنوان مثال در آیین کهن مزدیسناپی پیش از شت زردشت و در زمان او و پس از وی مردم عام روحانیون مزدیسناپی را ماگا یا مغ می‌خواندند و واژه‌ی ماگا به زبان پارسی باستان به معنای خارق‌العاده و استثنایی‌ست که این واژه به زبان فرانسه رفته و از آن واژه‌ی ماژیسرا یعنی قاضی و ماژسته یعنی اعلی‌حضرت و در زبان انگلیسی ماگیکان یعنی جادوگر را ساخته‌اند، از این رو مردم عامی اجتماعات در جامعه‌ی کل بشری به علت ناآگاهی و بی‌سوادی از یاری جستن و بهره‌مندی از قوانین مدون و حتی قوانین سنتی غیرمدون مذهبی در امر ترفع و دعاوی مدنی و کیفری جهت احقاق حق خویش محروم بودند و لذا به علت عدم آگاهی عامه‌ی مردم از قوانین مدون و مذهبی حقوق حقه‌ی آنان در دادرسی‌ها در بسیاری از موارد با شکست رویاروی بود. بویژه این که اگر طرف دعوی آنان یک روحانی یا یک توانمند از طبقات ممتاز اجتماع آن دوران می‌بود.

بر همین محور و انگیزه بود که حمورابی برای نخستین بار به انگیزه‌ی رعایت دموکراسی پس از تدوین قانون ۲۸۲ ماده‌یی خود مقرر داشت که قانون او در میدان شهر بابل^۳ برای آگاهی مردم در معرض دید آنان قرار گیرد تا مردم عامی نیز مع‌الواسطه از حدود حقوق شهروندی خویش آگاه گردند.

در دوران گذشته اختلاف امتیازاتی انحصارطلبانه بین قشر روحانی با جامعه‌ی غیرروحانی بویژه در رژیم مذهب‌سالاری دنیای باستان و عدم تساوی مردم در مقابل قانون امری مسلم و متداول بود، به نحوی که نه تنها این امتیاز طبقاتی در ترفع بین مردم عادی و روحانیون و توانمندان چه در امر مدنی و چه در مورد کیفری امری ملموس و مشهود بود، بلکه بنا به گزارش‌های معتبر بازمانده از دوران باستان و متون قوانین مدون شاهان سومری بین شاهان مقتدر و مستبد سومری، بابلی و قشر روحانیان در تاریخ دنیای باستان برخورد و مبارزات طولانی بر سر تقسیم قدرت بین مقام

سلطنت و روحانیان وجود داشت و در تاریخ حقوق دنیای باستان بویژه در دوره‌ی سومریان مشاهده می‌شود.

شاهان قانونگذار سومری که من آنان را شاهان **پردات** ایران باستان مندرج در **گائده‌ها** و **اوستا** یا شاهان پیشدادی مورد تذکار در کتاب **خدای نامک** اثر عهد ساسانی می‌دانم، بویژه شاهان سومری^۴ برای محدودکردن اختیارات و اقتدارات و فزون‌طلبی‌های روحانیون و توانمندان سومری از طریق وضع و انشا قوانین مدون از جمله وضع قوانین پیشگیرانه در جهت محدودیت امتیازات طبقاتی روحانیون که در تقسیم‌بندی‌های اجتماع استوار بر محور طبقاتی بر جایگاه نخست اجتماع آن دوران تکیه داشتند، دست یازیدند، از جمله لی‌پیت ایشتار برای معتبر جلوه‌دادن قانون وضع شده همانند دیگر شاهان قانونگذار دنیای باستان به قانون وضع شده از سوی خود رنگ مذهبی داده و این قانون را برای مقابله با روحانیون و توانمندان سومری قوانینی پیشکش شده از سوی **خدای انکی** اعلام نمود که متأسفانه از یکصد ماده قانون مورد اشاره‌ی لی‌پیت ایشتار فقط ۳۷ ماده از آن قانون از تخریب طبیعی مصون مانده و به دست ما رسیده است.

جالب توجه این‌که عملکرد حمورابی شاه بابل بنا به گزارش ادوارد اردشی^۵ یکی از پادشاهان دمکرات دوران باستان به نام تل‌پینوس^۶ که ظاهراً شاه کشور آکاد در سرزمین میان رودان بود، قوانینی در مورد حقوق مردم و محدودیت اقتدارات طبقات ممتاز و حتی شخص شاه وضع و انشا نمود.

بنابر آن‌چه به کوتاه سخن از آن یاد کردم، عوام مظلوم و محروم از حقوق شهروندی خویش بر آن شدند که در ترفع و در دعاوی که طرف دعوی مدنی یا کیفری آنان روحانی یا دیگر توانمندان طبقات ممتاز اجتماع دوران باستان قرار داشت که با اتکا به دانش و آگاهی یک فرد روحانی بی‌طرف به‌عنوان مدافع حقوق خویش در دادگاه‌های سومر، بابل و آشور از یاری و دانش آن مرد روحانی آگاه به موازین مذهبی و قضایی بهره‌مند شوند، در این هنگام بود که پس از سالیان دراز از تاریخ زاده‌شدن قانون، عنصر وکالت و دفاع از حق از ذهن انسان ستم‌دیده و زندگی‌باخته در جامعه‌ی کل بشری برای نخستین بار در قوانین شکلی سومریان در نیمه‌ی نخست هزاره‌ی دوم پ.م. تجلی یافت و ما نخستین بار نقش وکالت را در یک رخداد جنایی در کشور سومر در گل‌نبشته یافت شده در شهر نیپ‌پور مربوط به سه هزار و هشتصد و پنجاه سال پیش زیر عنوان «**دادرسی زن خاموش**» می‌بینیم.

لازم به توضیح است که صورت جلسه‌ی دادرسی زن خاموش و رأی صادره از سوی دادگاه کیفری به نام مجمع همشهریان برای ما از آن دوران کهن به‌یادگار مانده است. خوشبختانه متن این دادرسی به اصطلاح قوانین شکلی، به‌عنوان یکی از رویه‌های قضایی در بایگانی دادگستری سومریان ضبط شده بود تا برای نسل‌های آینده‌ی بشر به یادگار ماند.

سومریان میراث دار قانون در جامعه‌ی کل بشر

۱- نقش وکیل مدافع در قوانین مدون سومریان

دادرسی زن خاموش

بنا به گزارش ساموئل کریمر^۷ دانشمند بزرگ خاورشناس، در رخدادهای جنایی مربوط به یک هزار و هشتصد سال پ.م. در سرزمین میان رودان (بین‌النهرین) مردی به نام لو-اینانا خدمتگزار یکی از پرستشگاه‌ها در نهران به دست سه مرد به نام‌های ناسیگ، کوانلیل و انلیل آنام به انگیزه‌یی که در متن گل نبشتار دادرسی زن خاموش مجهول مانده، کشته می‌شود و همسر مقتول به نام نین-دادا که از قتل شوهرش آگاه بود، به جای این‌که مقامات مسوول شهر را از این جنایت آگاه سازد، در کمال بی‌تفاوتی ظاهراً برای این‌که قاتلان شوهرش شناخته و دستگیر نشوند، آنان را از طریق سکوت خویش عملاً یاری می‌دهد. پس از آشکارشدن راز این جنایت به دستور شاه سه تن قاتلین لو-اینانا و هم‌چنین همسر مرد مقتول به عنوان شرکت در قتل در دادگاهی مشتمل بر نه تن قاضی و دو دادستان به نام «مجمع همشهریان» به گناه قتل خدمتگزار پرستشگاه به دادرسی فراخوانده شدند، جالب توجه این است که در قوانین شکلی سومریان تعداد قضات محاکم به تعداد فرد برگزیده می‌شدند تا در صورت حدوث اختلاف آرا با رأی اکثریت بتوان حکم صادره را در مورد محکوم اجرا نمود. در این دیدگاه دو تن وکیل مدافع به نام‌های شولیلوم و اوبارسین منحصرأ دفاع از اتهام نین‌دادا را برعهده می‌گیرند، زیرا این دو تن وکیل مدافع که مقید به دفاع از حق بودند، پس از آگاهی از نحوه‌ی حدوث واقعه و اطمینان یافتن از بزهکاری متهمان سه‌گانه پذیرای دفاع از اتهام سه تن قاتلین لواینانا به نام‌های ناسیگ و کو-انلیل و انلیل آنام نشدند. دو دادستان دادگاه به نام‌های «اوگولا» و «دودو» معتقد به صدور حکم اعدام برای سه قاتل و همسر مقتول به نام نین‌دادا به عنوان شرکت در قتل لواینانا بودند. این دو دادستان در مقام کیفرخواه علیه متهمان در دادگاه مجمع همشهریان به شرح مندرجات و متن گل نبشته موضوع صورت جلسه دادرسی اظهار داشتند «آنان که به زندگی انسانی پایان دادند، شایسته‌ی زنده ماندن نیستند، سه تن قاتل و همسر مقتول باید کشته شوند».^۸ مستنبط از محور دفاع دو وکیل مدافع نین‌دادا از وی به شرح مندرجات صورت جلسه‌ی^۹ دادرسی در دادگاه چنین بود که وکیلان مدافع در دادگاه «مجمع همشهریان» سکوت همسر مقتول را فاقد عنوان و عنصر شرکت یا معاونت با متهمان سه‌گانه در تحقق جرم به علت عدم دخالت عملی او در قتل لواینانا اعلام نموده و افزودند: «به فرض شوهر نین‌دادا به قتل رسیده باشد، گناه این زن چیست که باید کشته شود؟ زنی که شوهرش به او نفقه نپرداخته، به فرض این‌که دشمنان شوهرش را بشناسد و از مرگ شوهرش نیز آگاه گردد، چرا خاموش نماند؟ آیا چنین زنی قاتل شوهر خویش است؟ کیفر این جنایت در خور کسانی است که در واقع عملاً مرتکب قتل شده‌اند».

ظرافت اندیشه‌ی قضایی وکیلان مدافع نین‌دادا که زیرکانه بدون پذیرش تحقق قتل عنوان کرده‌اند «به فرض شوهر نین‌دادا

به قتل رسیده باشد... الخ» در مقام کاربرد فن دفاع در خور توجه و تحسین است. به هر حال وکیلان مدافعان انگیزه‌ی سکوت زوجه مقتول را در این ماجرا به علت عدم پرداخت نفقه‌ی زوجه مقتول به همسرش نین‌دادا و عدم علاقه و رابطه‌ی عاطفی علقه‌ی زوجیت بین زوجین مبنای دفاع خویش از موکله قرار دادند و این دفاع مورد پذیرش ۹ تن قضات دادگاه جنایی سومر قرار گرفت، قضات مجمع همشهریان سه تن قاتل را محکوم به اعدام شناختند، ولی همسر مقتول را با پذیرش دفاع وکیلان مدافع او از اتهام مبری اعلام داشتند و هم‌چنین به دستور دادگاه مجمع همشهریان در مقام اجرای حکم اعدام قاتلان سه گانه را در محل قتل مقتول اعدام کردند، صورت جلسات این دادرسی و رأی صادره به عنوان رویه‌ی قضایی در گل نبشته‌های یافت شده در شهر نیپ‌پور ضبط شده تا در موارد مشابه الگوی رسیدگی قرار گیرد.

۲- نقش وکیل مدافع در قانون حمورابی

متاسفانه تاریخ حقوق دقیقاً از امر وکالت در دوران بابل به لحاظ یافت‌نشدن رویه قضایی همانند دوران سومریان آگاه نیست، ولی مواد ۲۷ و ۲۸ به گونه‌یی ماده‌ی ۳۱ قانون حمورابی ناظر به امر وکالت است، بویژه در ماده‌ی ۲۸ قانون حمورابی تحقق وکالت به لحاظ صغیربودن فرزند موکل از طریق مع‌الواسطه یعنی از مسیر مداخله دولت یا دادگاه به عنوان سرپرست صغیر صورت می‌گرفت. قوانین ۲۸۲ ماده که بر سینه‌ی سنگ سیاه دیوریت بین سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۶۷ پ.م. از سوی حمورابی شاه بابل کنده‌کاری شده و اینک آن قانون مدون در موزه‌ی لوور پاریس قرار دارد در برخی از مواد این قانون از جمله قانون در خور ستایش ماده‌ی ۵ قانون حمورابی معشر بر محکومیت قاضی یا شاهد به پرداخت جریمه در حق کسی است که به علت اشتباه قاضی یا شاهد رأی دادگاه به زیان او صادر گردیده^{۱۰} و هم‌چنین مقررات مربوط به نظام پزشکی از جهت یکسان‌نبودن حق‌العلاج در مورد بیماری‌های مشابه از اشخاص دارای توان مالی متفاوت و مقررات مربوط به وقف در مواد ۳۵ لغایت ۳۸ و غیرقانونی بودن زن و شویی بدون سند ازدواج به استناد ماده‌ی ۱۲۸ و تجلی نهایت دموکراسی در مورد حقوق زوجه‌ی بیمار در مواد ۱۴۸ و ۱۴۹ قانون حمورابی و میزان متفاوت دریافت دستمزد پزشکان از اشخاص توانگر و ناتوان در مورد درمان بیماری‌های مشابه، طبق قانون نظام پزشکی پزشکان آن دوران بویژه قانون مربوط به نوعی مرور زمان سه ساله موضوع ماده‌ی ۳۰ قانون حمورابی از این‌رو چشم‌گیر است که پیشگامان تمدن جدید در جهان امروز وضع و انشای قانون مرور زمان را به خطا به خود نسبت می‌دهند و هم‌چنین قانون تجدید زن و شویی مرد با زن دوم که تحقق این امر طبق ماده‌ی ۱۴۵ قانون حمورابی با شرایطی موکول به اذن همسر نخست او است و هم‌چنین وجودکارشناس و معتمد در مورد معاملات در قانون حمورابی از جمله مقرراتی است که در این قانون به چشم می‌خورد، ولی متاسفانه به علت این‌که در قانون شکلی حمورابی

وکیل در نیمه‌های یکم و دوم هزاره‌ی دوم پ.م در قلمرو آشور است.^{۱۴}

۴- نقش وکالت و فن دفاع

در دوران مادها و هخامنشیان

چون از دوران ماد به‌جز گزارش هردوت و گزنفون و کت زیاس که دیودورسیسیلی از این دوران گزارش‌های به‌نقل و قول از کت زیاس ذکر کرده، آثاری دیگر در دست نیست، لذا به کوتاه سخن در مورد تاریخ حقوق دوره‌ی ماد یادآور می‌شود که به شرح گزارش پروفیسور دیاکونوف^{۱۵} در دوران حکومت مادها مجلس قانونگزاری به‌نام مجلس بزرگان یا مجلس شیوخ وجود داشت که در موارد لزوم قدرت شاه ماد را محدود می‌کرد و از استبداد مطلقه‌ی او پیشگیری به‌عمل می‌آورد و هم‌چنین در حقوق دوران ماد رسیدن به‌مقام شاهی از سوی زنان و قانون مربوط به‌هبه امری شناخته شده بود^{۱۶} و دوران خردسالی و نوجوانی کوروش بزرگ نیز بنا به گزارش گزنفون در کتاب **تربیت کوروش** وجود دانشکده‌ی حقوق تحت عنوان پرورشگاه عدالت^{۱۷} حضور دانشجویان حقوق برای تدریس عملی در دادگاه‌ها پیش‌بینی شده بود و نحوه‌ی گزینش قضات هفت‌گانه^{۱۸} و تشکیل دادگاه‌های عالی با حضور هفت قاضی و با حضور دو دادستان^{۱۹} به‌نام فیلاک و تشکیل دادگاه‌های کودکان بزهکار^{۲۰} و محاکمه‌ی به‌له‌زیس سردار مادی در دادگاه نظامی و امکان بخشش مجرمان وسیله‌ی شاه ماد مطالب دیگری در دست نیست ولی به‌قرینه می‌توان احتمال داد که بهره‌گیری از دانش وکیل در دعوی به‌اعتبار وجود پیشینه‌ی امر وکالت در دوران سومریان و بابلیان در دوران مادها و هخامنشیان نیز وکالت مرسوم و متداول بوده و هم‌چنان که دوره‌ی ساسانیان به‌شرحی که خواهد آمد، وجود وکیل به‌نام «مارگر»^{۲۱} امری محرز و مسلم است.

۵- در دوران هخامنشیان نیز قوانین مترقیانه‌ی

در مورد گزینش قضات با شرایط سه‌گانه‌ی:

۱- فارغ‌التحصیل بودن از پرورشگاه عدالت

۲- دارابودن لااقل سن پنجاه ساله

۳- عدم استشهائ به فساد اخلاق

و در مورد گزینش کارمندان دارابودن: ۱- مدرک تحصیلی از پرورشگاه عدالت؛ ۲- داشتن حداقل سن بیست و هفت ساله.

ضروری بود قضات نیز معمولاً از بین مردان خاندان هفت‌گانه شاهی مقید به شروط سه‌گانه‌ی فوق‌الذکر برگزیده می‌شدند و در پاره‌ی از موارد دیده شده که در دوران هخامنشیان قضاوت موروثی نیز بوده است. داستان اعدام قاضی رشوه‌گیر به‌دستور کمبوجیه پسر کوروش بزرگ شاه هخامنشی از طریق کندن پوست بدن او و گسترده کردن پوست قاضی رشوه‌گیر بر مسند قضاوت و تصدی پسر قاضی رشوه‌گیر به‌عنوان قاضی بر همان مسند دلیل صحت مراتب است و هم‌چنین وجود نمایندگان سازمان ملل تحت حکومت شاهان

برخلاف قوانین سومریان ابتکار حفظ آرای که جنبه‌ی رویه‌ی قضایی داشته در آن دوران وجود نداشته و یا اگر رویه‌ی قضایی و بایگانی کردن این‌گونه آراء وجود داشته، کاوشگران به کشف این آرای رویه‌ی قضایی توفیق نیافته‌اند، از این رو ما دقیقاً از وجود ضوابط قانون وکالت آن دوران به‌معنی خاص واژه آگاهی نداریم، ولی به‌پندار من یقیناً بنا بر همان استدلال که در صدر این رساله از آن یاد کرده‌ام، همان استدلال منطبق با واقعیتی که در دوران سومری جهت بهره‌مندی از وجود وکیل وجود داشت، در دوران حمورابی و دیگر ادوار نیز از اشخاصی به‌نام وکیل در آن دوران‌ها نیز استفاده می‌شد. بویژه حمورابی در پیشگفتار قانون خود اشاره می‌کند که قانون مدون خود را که خدای شاماش به او تفریر و تسلیم کرده در مرئی و منظر همگان برای آگاهی مردم از حقوق شهروندی خود قرار داده است.

۳- نقش وکیل در دوران حکومت آشوریان

پیش از جنگ بین‌الملل اول، ۹ لوحه‌ی گلی مربوط به قوانین آشوریان مربوط به سده‌های پانزدهم تا دوازدهم پیش از زاپچه‌ی مسیح که وسیله‌ی کاوشگران آلمانی یافت شده، به‌حکایت متن این لوح‌ها قوانین کهن‌تر آشوریان بویژه در مورد حقوق زنان مورد بازنگری قانونگذاران آشور قرار گرفته است.^{۱۱} در آیین دادرسی دوران آشوریان برخلاف قوانین دوران حکومت بابل دادگاه‌ها فقط از یک قاضی تشکیل می‌یافت، قوانین آشور که مورد بازنگری قرار گرفته بود، بسیار مترقانه‌تر از قوانین بابل بود، قوانین باستانی آشور مشتمل بر سه لوح می‌باشد که لوح نخست آن که به لوح A نامور است از شصت ماده تشکیل می‌گردد که این لوح در مجموع ناظر به جرائم ارتکاب از سوی زنان است و ماده‌ی یک قانون مورد اشاره ناظر به کیفر زنانی‌ست که در پرستشگاه‌های آشور مرتکب دزدی شده‌اند و در متن این ماده عنوان شده که کیفر این‌گونه زنان با آشور، خدای مورد پرستش آشوریان است، بدون این‌که ظاهراً به‌علت اخروی بودن ارتکاب این بزه از میزان و چه‌گونگی اجرای این کیفر نامی برده شود توسل به «ور» یا سوگند با مقررات ویژه‌ی آن در حقوق آشوریان شناخته شده بود.^{۱۲} متأسفانه من با وجود کندوکاو بسیار به اصل متن قوانین آشوریان دسترسی نیافتم، در ماده‌ی دیگری از قانون آشور، روسپی‌گری همانند قوانین دوره‌ی هخامنشیان امری قانونی^{۱۳} بود. لیکن زنان روسپی حق استفاده از حجاب را نداشتند و در صورت تخلف از این قانون به پنجاه ضربه تازیانه محکوم می‌شدند و یا با ریختن قیر یا نفت بر سر زنان روسپی، زنان روسپی باحجاب در معرض کیفر قرار می‌گرفتند تا بدین‌گونه زنان عقیف و خانه‌دار از زنان روسپی تمیز داده شوند، هرچند از دوران پادشاهی آشوریان علی‌رغم قوانین دوران حکومت سومریان سند دقیقی از وجود وکالت در امر دعوی تاکنون یافت نشده، ولی با توجه به این‌که در قراردادهای حقوقی دوره‌ی آشور و طرفین قرارداد یا وکیل یکی از دو طرف قرارداد را با مهر خویش مهور می‌ساختند، اثر مهر وکیل در قراردادهای حقوقی یافت شده، لذا چنین اسنادی نشانگر وجود نقش

هخامنشی در شهر سارد پایتخت لیدی (ترکیه امروز) به سرپرستی آرت فرنه ARTE-FERENEE استانداردها هخامنشی در کشور لیدی و گردهمایی سالی یکبار آنان در شهر سارد جهت رایزنی در حل مشکلات امور کشور پهناور هخامنشی و اتخاذ رویه‌ی واحد برای اداره‌ی امور استان‌های تحت حکومت آنان و صدور منشور آزادی ملت‌ها از سوی کورش بزرگ از قانونمندی ایرانیان در دوران باستان حکایت دارد، ولی سندی که مثبت بهره‌مندی پارسیان از وکیل به معنای حقوقی و ویژه‌ی آن در دادگاه‌ها بوده باشد، در دست نیست.

۶- نقش وکیل در دوره‌ی سلوکیان و اشکانیان

در دوره سلوکیان از وجود مجلس ملی^{۲۲} مشتمل بر سیصد نماینده، وضع مالیات‌های^{۲۳} گوناگون و وجود گمرک در ایندوران^{۲۴} آگاهی داریم؛ ولی در دوران اشکانیان حکومت اشکانی حکومت پارلمانی بوده و در این دوران دو مجلس به نام‌های مجلس شورای شاهی و مجلس شیوخ وجود داشت که به‌هنگام لزوم تصمیم‌گیری در امور مهم کشور پس از گردهمایی دو مجلس در یک نشست واحد به‌نام مجلس مهستان این مجلس می‌توانست حتماً شاه اشکانی را از مسند شاهی برکنار کرده و شاه جدید و واجد شرایط دیگری را بر تخت شاهی بنشاند.^{۲۵} حتماً بنا به گزارش مشیرالدوله پیرنیا سفیران بیگانه در ایران دارای مصونیت سیاسی بوده‌اند.^{۲۶}

بنابه گزارش مشیرالدوله پیرنیا در دوران اشکانیان در دادگاه‌های اشکانی این شعار به‌چشم می‌خورد: «اگر فراموش کنی که بشر هستی و خود را برتر از بشر بدانی گرفتار خشم مزدا اهورا خواهی شد». ^{۲۷} در دوران اشکانیان آزادی مذهب وجود داشت.^{۲۸}

در دوران اشکانیان همانند دوره هخامنشی زنان روسپی همراه سپاه اشکانی در جنگ‌های برون‌مرزی همراه آنان بودند تا سربازان اشکانی به زنان ملل مغلوب تجاوز نکنند.^{۲۹} ولی در دوران‌های سلوکیان و اشکانیان از وجود وکیل مدافع در دادرسی‌ها مدرکی به‌دست نیامده است.

۷- نقش وکیل مدافع در دوره‌ی ساسانیان

در دوران ساسانیان وکیلان مدافع را «مارگر»^{۳۰} و خواهان دعوی را «پیش‌مار»^{۳۰} و خواننده‌ی دعوی را «پس‌مار» می‌خواندند. بنابه گزارش ابن بلخی رخداندگار سده‌ی پنجم هجری مقام وکالت هم‌ارز مقام نیابت وزارت بوده و وکیلان مذکور در کنار بزرگمهر وزیر بزرگ انوشیروان به انجام وظیفه سرگرم بودند^{۳۲} و نقش وکیل این بود که در کرسی دادرسی نیک و بد واقعیت هرگونه دعوی را در حد تشخیص خود در نزد شاه که قاضی بزرگ به‌شمار می‌آمد، با صداقت و راستی باز می‌گفت جامعه‌ی وکلا در دوران ساسانیان بنا به گزارش ابن بلخی از خاندان اصیل و در زمره‌ی مردان فاضل و عاقل و غیرقابل انعطاف به‌شمار می‌آمدند و وکلای دادگستری آن دوران در محضر پادشاهان ساسانی در کرسی داور یا نادرستی و دادخواست‌هایی را در معرض اظهارنظر قرار داده و نتیجه‌ی دیدگاه‌های خود را در مورد ادعاهای

دوگانه‌ی طرفین دعوی به شاه بازمی‌گفتند. به پندار من بدیهی‌ست که این اختیار و اقتدار در مورد تشکیل دیگر دادگاه‌های به‌تصدی سایر قضات دادگستری دوره‌ی ساسانیان از جمله موبد موبدان به قیاس اولویت دارای کاربرد بوده و در موارد مشکوک وکیلان به تحقیق و تفحص در مورد صحت و سقم ترافع، قیام و اقدام می‌نمودند^{۳۳} و نتیجه را به مرجع قضایی طی گزارش خود اعلام می‌داشتند.

شعار دادگستری در دوره ساسانیان چنین بود: «بدترین داور کسی‌ست که بی‌گناه از او بترسد». ^{۳۴} بلعمی از کیفرخواست شیرویه فرزند خسرو پرویز پادشاه ساسانی علیه پدرش یاد کرده که این کیفرخواست از ده بند تشکیل می‌شد.^{۳۵}

بنابه گزارش دکتر جواد مشکور از تشکیل^{۳۶} دادگاه که شیرویه برای رسیدگی به اتهامات پدرش خسرو پرویز پادشاه ساسانی تشکیل داده بود کیفرخواه اتهامات سنگین وارد بر خسرو پرویز^{۳۷} از جمله دست یازیدن به قتل پدرش، هرمز چهارم و بدرفتاری با زندانیان، شهوترانی و آزمندی به شرح کیفرخواست بر او منتسب کرد و ماخذ پهلوی و خدای‌نامه‌ها گزارش می‌دهند که خسرو پرویز شخصاً به‌خوبی از عهده دفاع از اتهامات خود برآمد، ولی بالاخره براساس رأی دادگاه به اعدام محکوم و حکم اعدام در مورد او اجرا شد.

زنان در قانون دوره ساسانی در پاره‌یی از موارد همانند مردان از امتیازات ویژه‌ی مردان برخوردار بودند و دلیل این واقعیت تکیه‌زدن بوراندخت و آذردهخت بر تخت شاهان ساسانی و دو زن که فرزندان بانویی به‌نام دینگ بودند، در تیسفون مدتی بر تخت شاهی تکیه زدند.^{۳۸} ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نگارش به‌صورت کنده‌کاری در ادب پارسی را نبشته خوانند.
- ۲- واژه‌ی ماده که اصطلاحاً در مورد قوانین در جوامع امروز دارای کاربرد است، در قوانین عهد کهن به‌صورت بند به بند و جداگانه قید شده تا هر یک از متن هر قانون از متن دیگر قانون تمیز داده شود.
- ۳- باب ۴= دروازه‌ی خدای بل
- ۴- در این مورد در کتاب *سیر تطور و حقوق در ایران از باستانی‌ترین ادوار تا ظهور اسلام* اثر منتشر نشده خود به این رخدادهای اشاره کرده‌ام.
- ۵- *الواح بابلی*، بر گردان علی‌اصغر حکمت، برگ ۳۱۸، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- TEL-PINOS
- ۷- *الواح سومری*، برگردان داود رسائی، چاپ شرکت سهامی افست، سال ۱۳۴۰ خورشیدی، برگ‌های ۷۱ لغایت ۷۴.
- ۸- همان، صص ۷۲-۷۴.
- ۹- یافت شده در سال ۱۹۵۰ میلادی وسیله‌ی هیات مشترک باستان‌شناسی موسسه‌ی شرقی دانشگاه شیکاگو در شهر نیپ‌پور در سرزمین میان رودان.
- ۱۰- در قید تصویب قانون حمورابی بین ساموئل کریمر و ادوارد شی و مشیرالدوله پیرنیا اختلاف نظر موجود است؛ زیرا مشیرالدوله‌ی پیرنیا تاریخ تدوین این قانون را بین سال‌های ۲۱۲۳-۲۰۸۱ پ. م و ادوارد دشی یرا ۲۰۲۵-۲۰۶۷ و ساموئل کریمر در سال ۱۷۵۰ پ. م می‌داند.
- ۱۱- برگ ۱۱۱-۱۱۲، *الواح بابل ادوارد شی* یرا، برگردان علی‌اصغر حکمت، چاپ انتشارات علمی و فرهنگی تهران، سال ۱۳۵۷
- ۱۲- برگ‌های ۲۶۰، ۲۶۱ و ۳۱۹ *مشرق‌زمین گاهواره‌ی تمدن ویل دورانت*.
- ۱۳- *مشرق‌زمین گاهواره‌ی تمدن*، برگ ۳۲۳ ویل دورانت.
- ۱۴- *تاریخ ملل آسیای غربی*، نوشته‌ی دکتر بهمیش، برگ‌های ۳۲۷-۳۲۸
- ۱۵- برگ ۱۸۰ *تاریخ ماد*، برگردان کریم کشاورز.

گزارش يك رويای صادق

فاطمه عربشاهی سبزواری

ای خدای رحمة للعالمین
وی خدای فضل و تقوا و یقین
شبہ دوشنبه، خواب دیدم این چنین
که بدم در خانه‌ی خوب و وزین
درب در استاده بودم باوقار
مثل این‌که بوده‌ام در انتظار
تا بدیدم اینکه فرزندم حسن
آمد و با من بگفتا این سخن
من همیشه آمدم در اندرون
این‌چنین خواهم درون آیم کنون
بود بر اسب سفیدی او سوار
با عیا و شال چون کوه وقار
بود او شبه جوانی پدر
می‌شود هم‌چون پدر، آری پسر
من به خود گفتم بر اسب راهوار
چون توان آید درون این شهسوار
کوته است این در ز بهر قد او
لیک دیدم باز شد سقف از دو سو
خوش بدم در خواب با دیدار او
چون شدم بیدار کردم جست‌وجو
کس ندیدم غیر حی لایزال
گفت برخیزید شد وقت وصال
من وصال دوست می‌خواهم نه او
باشد انسان دور از هر های و هو
این‌چنین انسان نجستم تا به‌حال
تا به آخر پوید او راه کمال
زین سبب از خویش و بیگانه جدا
گشته‌ام باشد مرا یاور خدا
نیست ما را کردگاری غیر از او
فکر و ذکرم نیست الا ذکر هو
در بیندم روز و شب سوزم چو دود
می‌کنم بهرش رکوع و هم سجود
تا که با اویم غم نبود به دل
نیستم از کرده‌های خود خجل
چون‌که می‌دانم مرا یاری کند
لطف او بسیار غفاری کند
من از او خواهم که فرزندان من
دور گردند از غم و رنج و محن
با دل شادی گرفتم من وضو
گفتم ای خالق گناهانم بشو
باز کن درهای رحمت را به ما
تا که یابد قلب رنجورم، شفا
ای عربشاهی دعا کن تا سحر
تا شوی آسوده از خوف و خطر
من بدانم خواب رحمانی بُدی
چون به فکر دید انسانی بُدی
آن‌چه خواهم ای خدا تقدیر کن
خواب زیبای مرا تعبیر کن

تهران - ۹ تیر ۱۳۸۶

۱۶- برگ ۴۵۷، تاریخ ماد، پروفیسور دیاکونوف، برگردان کریم کشاورز.

۱۷- برگ ۸، تربیت کوروش، برگردان دکتر بهمن کریمی.

۱۸- همان‌جا.

۱۹- برگ ۲۰، همان‌جا.

۲۰- برگ ۱۱، همان‌جا.

۲۱- تاریخ سیاسی ساسانیان، برگ ۷۶۹، ج ۲، دکتر جواد مشکور چاپ دنیای کتاب.

۲۲- برگ ۲۴ و ۲۵ دیاکونوف برگردان کریک کشاورز، چاپ افست مروی، سال ۱۳۵۱.

۲۳- برگ‌های ۲۳ لغایت ۲۷ و ۷۱ و ۷۲ و ۱۰۰ دیاکونوف برگردان کریم کشاورز و برگ ۲۱۱۱ و ۲۶۵۵ ایران باستان، مشیرالدوله پیرنیا، ج ۳.

۲۴- برگ‌های ۲۲۴۱-۲۲۴۲ ایران باستان، مشیرالدوله پیرنیا، ج ۳، ۲۶۷۲، ۲۶۷۳ و ۲۶۹۷

۲۵- برگ‌های ۲۶۹۵-۲۶۴۶-۲۶۴۹-۲۶۵۰ و ۲۲۳۳-۲۲۳۴ ایران باستان، مشیرالدوله پیرنیا، ج ۳.

۲۶- برگ ۲۳۰، ایران باستان، مشیرالدوله پیرنیا، ج ۳

۲۷- برگ ۲۶۵۹-۲۶۹۴، ایران باستان، ج ۳.

۲۸- مشیرالدوله پیرنیا، برگ ۲۶۹۰ ایران باستان، ج ۳.

۲۹- تاریخ سیاسی ساسانیان، ج ۲، برگ ۷۶۹، دکتر جواد مشکور.

۳۰- تاریخ سیاسی ساسانیان، ج ۲، برگ ۷۶۹، دکتر جواد مشکور.

۳۱- پورداو، هرزمدنامه، برگ ۳۸۳، چاپ شیوا، نشریه‌ی انجمن ایران‌شناسی، تهران، دی‌ماه ۱۳۳۱ خورشیدی.

۳۲- برگ ۷۶۹، تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ج ۲.

۳۳- برگ ۷۶۹، تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ج ۲.


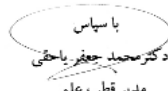
۳۴- تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ج ۱، برگ ۸۱، چاپ یکم دنیای کتاب.

۳۵- تاریخ سیاسی ساسانیان، دکتر جواد مشکور، ج ۲، برگ‌های ۱۱۶۷ و ۱۱۶۸.

۳۶- تاریخ سیاسی ساسانیان، ج ۲، برگ ۱۱۴۶-۱۱۴۷.

۳۷- آپ‌پرویز = شکست‌ناپذیر

۳۸- برگ ۳۹۱-۳۹۲، ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستین سن، برگردان رشید یاسمی.

شماره: ۱۳۳	تاریخ: ۸۶/۴/۱۶	تعداد: ۵
 دانشگاه فردوسی مشهد		
جناب آقای پرفیسور سید حسن امین مردآورنده و سرویراستار محترم ماهنامه حافظ با سلام و احترام		
بدین وسیله وصول ماهنامه حافظ را اعلام می‌شود. این ماهنامه برای کتابخانه قطب علمی ما که قطب فردوسی‌شناسی است سودمند و برای همکاران و دانشجویان مورد استفاده خواهد بود.		
 با سپاس دکتر محمد جعفر یاقفی مدیر قطب علمی		
نشانی: مشهد، میدان آزادی پردیس دانشگاه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر نشر و معارف کد پستی: ۹۱۷۷۴۵۴۲ تلفن: ۸۷۶۴۲۰۳۳ تلفن: ۸۷۶۴۱۱۲ نشانی الکترونیکی: fjb@ferdowsi.um.ac.ir		
نامه‌یی از دانشگاه فردوسی مشهد به امضای استاد دکتر محمدجعفر یاقفی در تایید نشر ماهنامه‌ی حافظ پس از لغو مجوز آن		